

اسراء، ولادت، شائخا

و مسوولیت

اللہ علیہم

حضرت صدیق اکبر

باصادقان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ فَالْفَهْرَاءُ وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ 

فروشگاه 

وبلاگ 

پخش زنده 



برای دریافت فایل‌های صوت،
متن و پاورپوینت مربوط به
مباحث مطرح شده در این شبها
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.



شب پنجم محرم ۱۴۴۱



السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك
السلام على الحسين
وعلى علي بن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

گامی چند برای شناخت **اللیل** و **همسراها** ^ن

كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا
أَسْفَرَ * إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ
شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَهُ أَوْ يَتَأَخَّرَ .

سوره مدثر، ۳۲ تا ۳۷.

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) المؤمنيين
حرارة في قلوبهم
لا تبرأ أبداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ فَالْحُسَيْنُ مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانَ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ الْحُسَيْنِ حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



از غم بی کسی ات حوصله سرمی آید
دست و پا میزنی و خون به جگر می آید
در قدم تو سر انداختن و جان دادن
به خدا از من جان گشته به لب برمی آید
یادگار حسنت بی زره و بی شمشیر
سریاری تو از خیمه به سرمی آید
پاره گشته لب خشکیده ات از تیر بگو
کاری از دست من خسته اگر می آید

کوهی از نیزه و شمشیر به دورت بس نیست
هیزم و سنگ زهر سوچ قدر می آید
آه از این همه زخمی که به پیکر داری
بیشتر سینه ی زخمت به نظر می آید
هر نفس از دهنت خاک برون میریزد
اشک از دیده نه خونابه جگر می آید
نیزه حالا که تنت را به زمین دوخته است
به هوای سرتو چند نفر می آید

تیر در حال فرود است گلویت ببرد

عمو از بازوی من کار سپرمی آید

دست من مثل سر اصغرت آویزه به پوست

پادم از کوچه و از آتش و درمی آید

کاش با چادر خود عمه ببندد چشم

مادری را که به دیدار پسر می آید

زيارت حضرت سيد الشهداء از آموزشهای حضرت امام صادق عليه السلام:

«... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ
اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي
الْخُلْدِ وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَبَكَتْ لَهُ
السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَنْ
يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى.

زيارت حضرت سيد الشهداء از آموزشهای حضرت امام صادق عليه السلام:

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثَائِرُ اللَّهِ وَابْنُ ثَائِرِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَثْرُ اللَّهِ الْمَوْتُورُ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ
وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا
وَمُسْتَشْهَدًا وَشَاهِدًا وَمَشْهُودًا. أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ
وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ التَّمِسُّ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَثَبَاتِ الْقَدَمِ فِي
الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ

زیارت حضرت سید الشهداء از آموزشهای حضرت امام صادق علیه السلام:

وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ
بِهَا. مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ. بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ
الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ
وَبِكُمْ يُثَبِّتُ وَبِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ
مُؤْمِنٍ يُطَلَبُ بِهَا وَبِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ
أَثْمَارَهَا وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرَزَقَهَا

زیارت حضرت سید الشهداء از آموزشهای حضرت امام صادق علیه السلام:

وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ تَسِيخُ
الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا. إِرَادَةُ الرَّبِّ
فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَالصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ
مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ. لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ
وَلَايَتَكُمْ وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ. الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَبِئْسَ وَرْدُ الْوَارِدِينَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

گامی چند برای شناخت **اللیل و همسرایان**

كَلَّا وَالْقَمَرَ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا
أَسْفَرَ * إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ
شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ .

سوره مدثر، ۳۲ تا ۳۷.

برخورد عمومی کافران و مشرکان با پیامبر رحمت

﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ *

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ * الَّذِينَ يَجْعَلُونَ

مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾

سوره حجر/ ۹۴ تا ۹۶.

استهزاء، مقابله‌ای همگانی با تمام امکانات

این اولین وعده «حمایت» و «کفایت» از پیامبر رحمت است. این وعده را خدا در برابر «مستهزئان» به پیامبرش داده است. روشن است که «استهزاء»، تنها به معنای ادا در آوردن و گفتن مطالبی برای مسخره کردن طرف مقابل نیست.

برخورد مشترک کافران با رسالت‌های پیامبران

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ

رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

سوره یس / ۳۰.

«استهزاء» نام برخوردار منافقان با دعوت خاتم پیامبران

﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ

قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ * وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

لَيَقُولَنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ

كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿۶۵﴾

سوره توبه / ۶۴ و ۶۵.

مسخره کردن استهزاء کنندگان، گناهی دیگر

﴿وَلَقَدْ أَسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِئُونَ﴾

سوره انعام / ۱۰.

الحاق همراهی کنندگان به استهزاء کنندگان

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ

يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا

فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ

الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ . سورة نساء / ۱۴۰.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

انکار آیه‌ی عظیم در آفرینش، در چهارمین فصل

سلام الله ابدًا ما

استهزاء، گاهی شریفترین تعبیر است

در کتاب خدا آیاتی وجود دارد که از تغییراتی
خبر می‌دهد که در نظم عالم در زمانهای
مشخصی ایجاد شده است و یا ایجاد می‌شود. **در مورد**
این آیات، بحث انکار و استهزاء و مسخره کردن،
بحث شایعی است.

انكار شق القمر

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ

الْقَمَرُ * وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ * وَكَذَّبُوا

وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُّسْتَقِرٌّ * وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ

الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ * حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ *﴾

سورة قمر، ١ تا ٥.

اگر نشدنی باشد، بین امروز و فردا فرقی نیست

از این که در این آیات، تعبیر «ساعة» به کار رفته مفسران و مترجمان، این آیه را به قیامت نسبت داده‌اند، حال آن که در ادامه، خبر از اعراض کافران و نسبت سحر مستمر دادن به این آیه و هر آیه‌ای داده شده و مگر ممکن است که کافران و مشرکان در قیامت چنین نسبتی را به این آیه و یا آیه دیگری از آیات خدا بدهند!؟

فروریختن «النجم» از آسمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ

صَاحِبِكُمْ وَمَا غَوَىٰ *

سوره نجم / ۱ و ۲.

خدا به خیال و توهم قسم یاد نمی کند

باور فروریختن «النجم» از آسمان، قدری سخت تر از باور

«انشقاق قمر» است اما در این آیه، با صراحت هر چه

تمام تر از «فروریخته شدن النجم» خبر داده شده و این امر

به آن اندازه قطعی است که خالق آسمانها و زمین به این

واقعه قسم یاد کرده است.

انكار اين مطلب از نوع زمخشرى

«النَّجْمُ: الشُّرْيَا، وَهُوَ اسْمٌ غَالِبٌ لَهَا... أَوْ جِنْسُ النُّجُومِ... يُرِيدُ
النُّجُومَ. ﴿إِذَا هَوَى﴾: إِذَا غَرِبَ أَوْ انْتَشَرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. أَوِ النَّجْمَ الَّذِي
يُرْجَمُ بِهِ، ﴿إِذَا هَوَى﴾: إِذَا انْقَضَ. أَوِ النَّجْمَ مِنْ نُجُومِ الْقُرْآنِ - وَقَدْ
نَزَلَ مُنْجَمًا فِي عِشْرِينَ سَنَةً - ﴿إِذَا هَوَى﴾: إِذَا نَزَلَ. أَوِ النَّبَاتُ، ﴿إِذَا
هَوَى﴾: إِذَا سَقَطَ عَلَى الْأَرْضِ».

تفسير زمخشرى ج ٤ / ٤١٦.

ماجرای رد الشمس نیز به همین مفهوم است

شاید در قرآن آیه‌ای نباشد که به صورت ظاهر از «رد الشمس» سخن گفته باشد اما وقوع این واقعه از نظر اهمیت و میزان استبعاد، در مقابل ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ و نیز در مقابل ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ و هم چنین در مقابل: ﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ * وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ﴾، قابل ذکر هم نیست.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

نابود سازی

قسمت‌های اسرارانی قرآن به بیان

انکار استهزاء آمیز در مورد قسمهای قرآن به اللیل

در آیات اسرایی قسم به «اللیل»، به نمونه‌های بزرگی

از این وقایع اشاره و تصریح شده اما با کمال

تأسف، در همه موارد، قلم نافهمی و تحریف و تبدیل

به گونه‌ای به کار افتاده است که از این همه

عظمت خبری هم در میان نیست.

توصيف الليل از زبان سوره انشقاق

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ *

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ * لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ *

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

سوره انشقاق ۱۶ تا ۲۰.

پیشنهاد فخر برای این آیات: جمع کردن پشه‌ها

«... وَأَمَّا الْمَعْنَى فَقَالَ الْقَفَّالُ: مَجْمُوعُ أَقَاوِيلِ الْمُفَسِّرِينَ يَدُلُّ عَلَى أَنَّهُمْ فَسَّرُوا قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا وَسَقَ﴾ عَلَى جَمِيعِ مَا يَجْمَعُهُ اللَّيْلُ مِنَ النُّجُومِ وَرُجُوعِ الْحَيَّوَانِ عَنِ الْإِنْتِشَارِ وَتَحَرُّكِ مَا يَتَحَرَّكُ فِيهِ الْهَوَاءُ. ثُمَّ هَذَا يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ إِشَارَةً إِلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا لِاسْتِمَالِ اللَّيْلِ عَلَيْهَا فَكَأَنَّهُ تَعَالَى أَقْسَمَ بِجَمِيعِ الْمَخْلُوقَاتِ». تفسیر رازی ج ۳۱ / ۱۰۱.

بی ارزش ساختن از راهی دیگر

در ادامه، رازی خودش به این نتیجه رسیده که قسم ﴿وَمَا
وَسَقَ﴾، گویا قسم به تمام مخلوقات است! و این یعنی از
کار انداختن این قسم و بی ارزش ساختن موضوعی که به آن
قسم خورده شده است. حال اگر چنانچه کسی فهم دیگری
از این عبارتها دارد، می تواند سایران را آگاه سازد.

از قلم سید مرتضیٰ خاں خورشید (۱۵)

مرور کے دیگر

برقتمہا کے اسرائیلی بہ لیلیٰ

قسم به شب اسراء پیامبر رحمت

قسمهای قرآن به «اللیل»، همگی
سوگندهایی به یک شب و تنها به یک

شب خاص است. آن شب، شب اسراء

پیامبر رحمت است.

بخش خاصی از شب اسراء

در همهٔ قسمهای قرآنی به «اللیل»، تنها به بخش خاصی از این شب، سوگند یاد شده و این بخش خاص، زمانی است که پیامبر رحمت به «اسراء» رفته است. این بخش از زمان، در این قسمها با «إذا» و یا «إذ» مشخص شده است.

یک شبِ خاص در تمام آفرینش

از آن جا که این شبِ خاص در تمام آفرینش، یک شب بیشتر نیست و این شب از نظر جنس با سایر شبها تفاوتی ذاتی دارد، هر ویژگی که برای این شب مشخص شود، خاص همین شب است و تکرار شدنی نیست.

واقعه‌ای که زمان آن سپری شده است

«اسراء پیامبر رحمت» در حدود سال چهارم بعثت به انجام رسیده و یعنی زمان اقدام و عمل این شب خاص، به همان زمان بازمی‌گردد و بر این مبنا باید حکم کرد که این اقدامها و عملها - هر چه باشد و به هر صورت انجام شود - مربوط به زمان گذشته است و زمان آنها سپری شده است.

هم زمان فعالیت گذشته است و هم زمان سکون

یعنی اگر از ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ دانسته می شود که آن بخش از شب پس از فعالیت سنگین به سکون و آرامش رسیده بود، باید دانست که هم زمان آن فعالیتها به انجام رسیده است و هم زمان آن سکون و آرامش.

تصرف و اداره خورشید برای مدتی کوتاه

اگر از ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ دانسته می‌شود که «اللیل» خورشید را در مشیت اداره و تصرف خود دارد و از آن در شب اسراء برای انجام مسؤولیتش استفاده کرده، زمان اعمال این قدرت و انجام این تغشیه نیز گذشته است.

تغشیه‌ای که زمان آن گذشته است

و اگر چنانچه از ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ دانسته می‌شود که «اللیل» تمام عالم را در مشیت اداره و تصرف خود دارد و در آن زمان از این قدرت برای «اسراء» بهره برده بود، زمان این تصرف و این تغشیه نیز گذشته است.

اسراء و زمان لیل اسرائی نیز پایان پذیرفته است

و اگر چنانچه از ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِر﴾ دانسته

می شود که «اللیل» در شب اسراء به اسراء

رفته بود، با پایان یافتن زمان آن اسراء، زمان

این اسراء نیز پایان یافته است.

اسراء و زمان لیل اسرائی نیز بیان پذیرفته است

این مطلب در تمام قسمهای اسرائی به خوبی
دیده می شود و تنها یک قسم است که این
ویژگی با «إِذَا» و نه با «إِذَا»، مشخص شده است:
﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ* وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

گزارش کس ادب را بیس

سلام الله ابداما

کاربردهای مختلف اِذْ

«اِذْ» در زبان عربی در موارد متعددی به کار می‌رود.
مهمترین موارد کاربرد «اِذْ»، استعمال آن به عنوان
«ظرف»، به عنوان «مفعول»، به عنوان «بدل از
مفعول»، به عنوان «تعلیل» و به عنوان «مضاف الیه
اسم زمان» است.

إذ همیشه بر سر یک جمله وارد می شود

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ

كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ

لِصَاحِبِهِ لَا تُحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾

سوره توبه / ۴۰.

خدای جهانیان سه جا پیامبرش را یاری کرد:

- آن گاه که کافران او را به عنوان دومی از دونفر اخراج کردند.
- آن هنگام که آن دو در غار بودند.
- آن زمان که او به همراهش گفت: محزون مباش که خداوند با ماست.

إذ به عنوان ظرف به کاررفته است

در این آیه، «إذ» برای نشان دادن زمان و مکان نصرت به صورت نقطه‌ای و دقیق به کاررفته است. در

آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ﴾ نیز «إذ» به همین صورت، به

عنوان ظرف و برای نشان دادن زمان و مکان «ادبار»

به کاررفته است.

از تعبیر اِذ نمی‌توان کار قبل از اِذ را حدس زد

البته از این واژه نمی‌شود دانست که «اللیل» قبل از «ادبار» به چه کاری اشتغال داشته و این در حالی است که از تعبیری که با «اِذَا» به کار رفته، فعالیت سابق «اللیل» نیز مشخص می‌شود.

یعنی از آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾ دانسته می شود که ...

در یک زمان و مکان مشخص، اللیل از پیامبر رحمت
و اسراءش جدا می شود و روبه رفتن می گذارد. این
نقطه، نقطه پایان اسراء و یعنی «المسجد الأقصى» و
باز هم یعنی «افق اعلی» است.

از سید مرتضیٰ عسکری (ع)

عظمتی که هرگز تمام نمی شود

سلام الله ابدًا ما

وجود لیل در زمانی که صبح نیز وجود دارد

دو آیه: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾ حکایت از آن

دارند که «اللیل» وجودی مستقل از «الصبح» و حتی از

«النهار» دارد که با وجود یکی، دیگری نیز وجود دارد و این

در حالی است که لیل و نهار زمین، یکی به جای دیگری

می آید و در جای او قرار می گیرد.

برهانی دیگر بر تفاوت اللیل با لیل زمینی

حضور «اللیل» در کنار «الصبح»، اولین دلالت: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا
أَدْبَرَ* وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾ است. بنابراین و برای این اساس نیز

باید حکم کرد که: «اللیل» از حقیقت دیگری
برخوردار است، حتی اگر تمام شبهای دیگر زمینی با این
اوصاف شناخته شوند.

مقایسه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾ با «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ»

- «اللیل» پس از «ادبار» هنوز «اللیل» است و جای خودش را به وجود دیگری نمی دهد.
- عظمت «اللیل» پس از انجام مسؤولیت، همان عظمت «اللیل» قبل از انجام مسؤولیت است.
- مسؤولیت «اللیل» هیچ گاه به پایان نمی رسد.
- از تعبیر «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ» می شود دانست که «اللیل» اقبال و ادبار دارد اما نمی شود دانست که «اللیل» پس از «ادبار» آیا باز هم «اللیل» هست یا نه.

مقایسه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾ با «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ»

- از تعبیر ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾ نمی شود دانست که «اللیل» اقبال هم دارد.
- «الصبح» نیز قبل از طلوع و قبل از روشن شدنش وجود داشته است.
- عظمت «الصبح» قبل از طلوع، همان عظمت «الصبح» بعد از طلوع است.

بدین ترتیب و بر این پایه‌ها باید حکم کرد که:

پایان مسؤولیتِ «اللیل» در شب اسراء، اجل او و پایان همه مسؤولیت‌های «اللیل» و پایان عظمت او نیست بلکه بر اساس این آیه باید پذیرفت که خدای حکیم در همه حال، به «اللیل» سوگند یاد می‌کند.

عظمت اللیل به مسؤولیت او نیست

عظمت «اللیل» به داشتن این قدرت و حکمت و به داشتن این مسؤولیت و انجام هر چه مناسبتر این مسؤولیت توسط او وابسته نیست بلکه برای این اساس، روشن است که خدا به «اللیل» این مسؤولیت و این قدرت را عطا کرده که او را از همه نظر عظیم و بزرگ آفریده است.

از تفسیر تائید ماخوذ (۱۵)

گامی برائے شناختِ علیؑ

سلام اللہ ابدًا ما

«اللیل» همیشه عظیم است

باز کردن پرونده‌های برای «اللیل» آن گاه که می‌رود و قسم خوردن به «اللیل» در این حالت، به این مفهوم است که «اللیل» همیشه عظیم است؛ چه در حال انجام مسؤلیت‌ها و چه در حال فراغت از انجام مسؤلیت‌ها.

اللیل و الصبح تافته‌هایی جدا بافته

قسم خوردن به «اللیل» در این حالت و در همان حال، قسم خوردن به «الصبح» - در حالی که طلوع کرده و درخشش یافته - به این مفهوم است که «اللیل» و «الصبح» با لیل و صبح زمینی متفاوت و بلکه بسیار متفاوت است.

اللیل اسم است؛ اسمی برای موجودی با عظمت

«اللیل» اسمی برای یک وجود با عظمت

است که هم نام لیل زمینی شده و یا

لیل زمینی هم نام او شده است.

نام گذاري موجودی به نام الايمان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا
خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا
تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ **بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ**
بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾.

سوره حجرات / ۱۱.

الایمان در آیه ملحق به آیه اکمال

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ
وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ
مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

سوره مائده/ ۵.

قسم به یکی از با عظمت ترین وجودها

«اللیل» اسم وجودی با عظمت است که خدای
جهانیان به آن قسمها خورده است. آیات این قسمها
حکایت از آن دارد که این وجود با عظمت، با
عظمت ترین وجود و یا یکی از با عظمت ترین وجودها
در تمام آفرینش است.

«اللیل» در «اسراء پیامبر رحمت» همراه آن حضرت بود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْفَجْرِ * وَلَيَالٍ
عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾.

سوره فجر ۱ تا ۴.

خدا پیامبرش را به اسراء برده است

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ
لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

سوره اسراء/۱.

از سید مرتضیٰ خاوری (۱۵)

ایس علیکم
ایس نامی برای حقستغنی ناشناخته

سلام الله ابد امان

مجهول بودن قدر، شاید دلیلی بر انتخاب این اسم باشد

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا
أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ
حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾.

سوره قدر ۱ تا ۵.

ناشناخته بودنِ شأنِ لیلۃ القدر

تعبیر ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ تصریحی

به این واقعیت است که: **شأن «لیلة**

القدر» قابلِ درک نیست.

شان الیل به طریق اولی قابل شناخت نیست

وقتی شان «لیلة القدر» قابل درک نباشد، شان «اللیل» نیز حتماً
و به هیچ عنوان قابل درک نخواهد بود. نباید البته فراموش شود

که: در حالی خدای حکیم به «اللیل» قسم خورده و به «لیلة

القدر» قسم نخورده که شان ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ را

خودش برای «لیلة القدر» تعریف کرده است.

از تفسیرها ما خود را (۱۵)

بعضی از مسوولین
عالمی که همیشه
للسبیل

سلام الله ابدًا ما

آیات اسرایی اللیل پرده از مسؤولیت اللیل برمی دارد

انتخاب اسم «اللیل» برای وجودی با این عظمت، الهی است و آیات اسرایی قسم به اللیل، پرده از بعضی مسؤولیتها، حکمتها و قدرتهای «اللیل» برمی دارد و بر این اساسها مشخص می شود که: خدای حکیم نه تنها تمام آفرینش را در تسخیر اللیل قرار داده که او را بر تمام عالم، «استوی» بخشیده است.

مسئولیت الیل در تمام آفرینش

استوای «اللیل» بر تمام آفرینش،

حکایت از وجود مسئولیت در تمام

آفرینش دارد.

استوا بر عرش و تدبیر تمام امر در تمام عالم

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْعٍ

إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ أَفَلَا

سوره اعراف / ۵۴.

تَذَكَّرُونَ ﴿۵۴﴾

تدبیر امر، پس از استوا بر عرش

عبارتِ ﴿ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾ به

روشنی هر چه تمامتر نشان می‌دهد که: **پس از**

«استوا» بر تمام آسمانها و زمین، نوبت به «تدبیر

تمام امر» می‌رسد.

یعنی...

«استوای بر تمام آسمانها و
زمین»، پیش نیاز «تدبیر تمام امر
در آفرینش» است.

تغشيه كاري كه الليل انجام مي دهد

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا
لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾.

سوره اعراف / ٥٤.

مسئولیت مدبران امر در تمام آفرینش

خدای حکیم، قدرت و حکمت لازم و نیاز استوای مورد نیاز
برای تدبیر تمام امور در آفرینش را به گروهی از بندگان
ممتازش عطا کرده و به آنان قسم نیز خورده است:

﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ . سوره نازعات، ۵.

کارهایی که خدا آنها را به خودش نسبت می‌دهد

این آیه و آیات بسیار دیگری در کتاب خدا، از انجام کارهایی خبر می‌دهد که توسط بندگان از بندگان خدا به انجام می‌رسد و آن کارها، اعمالی است که انجام آنها را خدای جهانیان به خودش نسبت داده است.

نسبت تدبير تمام امور به خداوند

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ
اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾.

سوره يونس / ۳۱.

امور بسیاری که به خدا نسبت داده شده است

این آیه، ضمن آن که تدبیر تمام امور را تنها از آن خدا می‌خواند، امور دیگری را نیز تنها به خدا نسبت می‌دهد. روزی دادن، زنده کردن، میراندن و نیز مالک چشمها و گوشها بودن، همگی از اموری است که در این آیه، تنها به خدا نسبت داده شده است.

تقسیم امور در تمام آفرینش

﴿فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا﴾

سوره ذاریات / ۴.

تقسیم گوشت قربانی یا تدبیر تمام امر

«امر» در این آیه و در آیه: ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ حتماً جنس است و تمام امور عالم را شامل می‌شود زیرا در غیر این صورت، مقسمات و مدبّرات _ هر که باشند و هر چه باشند _ فقط به تدبیر و تقسیم یک امر مشخص، اشتغال دارند که در این صورت، باید پذیرفت که مقصود از تدبیر و تقسیم امر، چیزی شبیه تقسیم یک گوشت قربانی است!

تقسیم امر در تمام آفرینش به دست «نحن»

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ

مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ

خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾

سوره زخرف / ۳۲.

فارقان و فرق تمام امور در آفرینش

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا *
فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا * فَالْفَارِقَاتِ
فَرَقًا * فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُدْرًا أَوْ نُذْرًا﴾.

سوره مرسلات ۱ تا ۶.

عمل «فارقان» در ليله مبارکه

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ * فِيهَا

يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ * أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا

مُرْسِلِينَ * رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

سوره دخان، ۳ تا ۶.

فرقان توسط بندگان ممتاز خداوند

بر اساس آن چه در این آیات آمده **در شبی مبارک که**
شب قدر باشد، «تمام امر حکیم» توسط فرد یا گروهی
«فرقان» می یابد. مجهول بودن فعل **«يُفَرِّقُ»** با وجود
تصریحی که در دو آیه بعد برای فاعلیت خدا در مورد
کارهای دیگر وجود دارد، برهان این واقعیت است.

فرقان توسط بندگان ممتاز خداوند

عمل فرقان بر تمام امر حکیم در تمام آفرینش به صورت
بی واسطه توسط خدا انجام نمی شود بلکه توسط بندگان
ممتازی به انجام می رسد که خدای جهانیان به آنان
قسم یاد کرده است.

فرق «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»

«كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» نَائِبِ فاعِلِ فَعَلٍ «يُفَرِّقُ» است و نشان
می دهد، آنچه در «شبی مبارک» مورد «فرق کردن» واقع
می شود، «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» است. بنا بر این، «فارقان» در شب
قدر باید «تمام امر حکیم تمام آفرینش» را «فارقان» کنند.

فرقان پیش نیاز عظیمِ فرقِ «تمام امر حکیم»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * تَبَارَكَ

الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿

سورہ فرقان ۱/

نازل کردن تمام فرقان بر پیامبر خدا

مقصود از «فرقان»، «قرآن» باشد و یا چیزی غیر از «قرآن»، در هر صورت، خدا به این واقعیت تصریح کرده که او «فرقان» را - تمام «فرقان» را - به پیامبرش نازل کرده است؛ خواه این «فرقان» را به صورت «قرآن» نازل کرده باشد و خواه به صورت «غیر قرآن».

فرقانی که پاسخگوی نیاز همهٔ عالمیان است

«فرقان نازل شده بر پیامبر رحمت» به

اندازه‌ای بزرگ و با عظمت است که

پاسخگوی نیاز تمام عالمیان است.

نزول فرقان بر عبد خدای عالمیان

«فرقان» به عنوان ابزار به فردی نازل شده
که «عبد خداوند» است و به عنوان «نذیر»
برای تمام عالمیان فرستاده شده است.

عمل فرق در قرآن به خدا نسبت داده نشده است

تفاوت بسیاری البته میان آیه: ﴿فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا﴾ و آیاتی مانند ﴿فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا﴾ و ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ وجود دارد

که یکی از آنها وجود آیاتی در قرآن است که در آنها «تدبیر امر» و «تقسیم امر» به خدا انتساب دارد و چنین آیه‌ای برای انتساب عمل «فرق تمام امور» به خدا وجود ندارد.

فرق برای کل امر حکیم است نه برای بعضی از آنها

تفاوت دیگر، وجود تعبیر «کل امر حکیم» برای «فارقان» و عدم وجود این تعبیر برای «مدبران» و برای «مقسمان» است. یاد آور می شود که برای «مدبران» و «مقسمان» تعبیر «امر» بدون «کل» و بدون صفت «حکیم» آمده است.

استوای مدبرات و فارقات بر تمام عالم

«مدبرات» و «مقسمات» و «فارقات» هر بندهای

از بندگان خدا باشند، باید بر تمام عالم استوا

داشته باشند که در غیر این صورت، این

تعابیر، تعابیری حقیقی نخواهد بود.

مسئولیت اللیل در تمام آفرینش

«اللیل» پیامبر خدا نیست و یکی از مدبرات و مقسمات تمام امور در آفرینش و یکی از فارقات است و برای این پایه، قسم به «المدبرات» و به «المقسمات» و نیز به «الفارقات»، قسم به «اللیل» نیز هست.

مدبرات و مقسمات، همراهان اللیل هستند

«المدبرات»، «المقسمات» و «الفارقات» جمع هستند و «اللیل» مفرد است. بنا براین، در مجموعه «المدبرات»، «المقسمات» و «الفارقات» باید به دنبال افراد دیگری نیز بود که با «اللیل» در این ویژگیها و نیز در ویژگیهای برابری داشته باشند که لازمه این امور است.

اللیل تنها نیست، همراهانی دارد

نباید البته فراموش شود که «اللیل» در قسمهای قرآن، تنها نیست و «النَّهَار»، «الصَّبْح»، «الضُّحَى»، «الشَّفَق» و «الفجر» نیز او را در قسمها همراهی می‌کنند. در این حقیقتها، تقابل نور و تاریکی به وضوح به چشم می‌خورد.

معرفی دیگری برای همراهان الیلیل

- ﴿وَالصُّحَىٰ * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ﴾.
- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ * وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾.
- ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ * وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾.

معرفی دیگری برای همراهان الیل

● ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾

● ﴿وَالْفَجْرِ * ... * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِر﴾

● ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾

● ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾

معرفی همراهان قرآنی اللیل

دو قسم از هفت قسمی که به اللیل خورده شده، با قسم به

«الصبح» همراه است. دو قسم از این هفت قسم با قسم به

«النهار» همراه شده است و در بقیه قسمها، اللیل به همراه یکی از

«الضحی»، «الشفق» و «الفجر» مورد قسم واقع شده است.

مجموع این قسمها، چهارده قسم می باشد.

آن چه گذشت حکایت از آن دارد که:

اللیل و همراهانش، مدبرات، مقسمات و فارقان هستند.
آنان مدبراتی هستند که تمام امور عالم را تدبیر
می‌کنند، مقسماتی هستند که به تقسیم تمام امور در
عالم می‌پردازند و فارقاتی هستند که فرقان تمام امر
حکیم در تمام آفرینش به دست آنان است.

اموری که در شب قدر در زمین انجام می شود

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

* وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ

شَهْرٍ * تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ

كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾.

ملائکه نیستند، افرادی هستند ساکن زمین که...

مدبرات و مقسمات و فارقات، آن گونه که در تفاسیر معرفی شده‌اند، ملائکه نیستند بلکه افرادی

هستند که تمام ملائکه و روح به همراه اذن ربشان در خصوص تمام امر تمام آفرینش، در شب قدر بر آنان نازل می‌شوند.

لو دنوت أنملة لا حترقت

«اللیل» و همراهان، آیات کبرای خداوند هستند؛ آیاتی که خدا تمام آفرینش را تحت سلطه و اراده و اداره آنان قرار داده است. رتبه حضور این آیات، بالاتر از افق اعلی و یعنی در رتبه‌ای است که هیچ ملک مقرب و هیچ نبی مرسلی توان حضور در آن رتبه را ندارد.

آیات کبرای خدا باید نازل شوند تا...

همان گونه که «سوره قدر» نشان می دهد، **تدبیر و تقسیم و فرق تمام امور آفرینش، در زمین انجام می شود** و اگر چنانچه قرار باشد که این اعمال به دست آیات کبرای خداوند انجام شود، نزول آنان از رتبه «قاب قوسین أو أدنی» الزامی است.

نزولی برای انجام مسؤولیت

نزول اللیل و همراهان به زمین، با عظمت
دیگری از آنان همراه است و کاهش قدری
برای آنان به همراه نخواهد داشت. این نزول
برای انجام مسؤولیت است.

مسؤولیت روح الامین با نزول انجام می شود

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ

الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ *

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿﴾

سوره شعراء، ۱۹۲ تا ۱۹۵.

حکایت دو نزول و یا چهارده نزول

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * **إِنَّا**

أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * **إِن**

سوره کوثر ۱ تا ۳.

شأنک هو الأبتَرُ.

مقتل حضرت عبد الله بن الحسن عليهما السلام

واهوى أبحر بن كعب إلى الحسين بالسيف فقال له

الغلام: ويلك يا بن الخبيثة أتقتل عمي فضربه أبحر

بالسيف فأتقاه الغلام بيده وأطنّها الى المجلد فإذا هي

معلّقة، ونادى الغلام: يا عمّاه يا أبتاه

مقتل حضرت عبد الله بن الحسن عليهما السلام

فأخذه الحسين فضمّه إليه وقال: يا بن أخي صبراً على
ما نزل بك واحتسب في ذلك الأجر فإن الله يلحقك
بآبائك الصالحين فرماه حرملة بسهم فذبحه في حجر

عمّه الحسين.

فاجعة الطف - (ج 1 / ص 32)

خورشید را به دیده شفق گونه دید و رفت

از دست ماه دست خودش را کشید و رفت

دارد به قتلگاه سرازیر می شود

مبهوت تیر و نیزه و شمشیر می شود

کم کم خمیده می شود و پیر می شود

یک آن تعللی بکند دیر می شود

از نسیب پیران فاطمهورا (۱۵)

در موج خون حقیقت دریا نشسته است

دورش تمام نیزه و تیر شکسته است

وقتی که ضربه آمد و بر استخوان نشست

در عرش قلب فاطمه چون پهلویش شکست

مشغول ذکر بانوی قامت خمیده است

تیری تمام قد به گلویش رسیده است

تیری که طرح حنجره اش را بهم زده

آتش به جان مضطر اهل حرم زده

یعقوب را بگو که دو تا یوسفش به چاه

ماندند در میانه ی گرگان یک سپاه

فریاد مادرانه ای آید که: آه، آه

دارد صدای اسب می آید ز قتلگاه


ده اسب نعل خورده و سنگین تن آمدند

ارواح انبیا همه با شیون آمدند

محسن عرب خالق

از سید مرتضیٰ خاوری (۱۵)

سلام الله اید ما



برای دریافت فایل‌های صوت، متن و
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده
در این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.

الْبِرُّ طَائِفَةٌ مِمَّا قَبِلْتُمْ كَلِمَةٌ



لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ عَمَلِ الْفِتْنَةِ

لَا



الحمد لله
السلام على من
آلينا